

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

مراد تبریزی
۰۴ اگست ۲۰۱۴

انقلاب و سازمان فدائی !

پس از گذشت نزدیک به دو دهه از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد [اسد] و سلطه بلامنازع دیکتاتوری عریان رژیم وابسته به امپریالیسم شاه، سرانجام توده ها به خیابان ها ریختند و با فریاد "مرگ بر شاه" سلطه دیکتاتوری را به لرزه در آورده و خواب از چشم شاه ربودند. بی شک ترکیب عوامل گوناگونی سبب این وضع گشت اما تا آن جا که به نقش روشنفکران انقلابی در این تحول بر می گردد، بی تردید باید تأثیرات تعیین کننده مبارزه مسلحانه را به حساب آورد، مبارزه مسلحانه ای که در سال ۴۹ با رستاخیز سیاهکل در جامعه آغاز شد و در آن شرایط خفقان زده روحیات مبارزاتی را در روشنفکران و مردم تغییر داد.

از سال ۱۳۵۶ تظاهرات خیابانی شروع شد و ادامه یافت و سال ۱۳۵۷ به اوج خود رسید. در ۱۷ شهریور [سنبله] در تهران تظاهرات میدان ژاله از زمین و هوا به وسیله ارتش ضد مردمی به گلوله بسته شد، به طوری که آن روز به "جمعه سیاه" و "جمعه خونین" معروف شد. با وجود این بعد از آن نیز مردم باز هم در خانه ننشستند، بلکه به تظاهرات ادامه دادند و کارگران نیز دست به اعتصاب زدند. این رویدادها نشان می داد که آمادگی شرایط عینی انقلاب در جامعه به موقعیت انقلابی گذر کرده است. شرایطی که در آن شعار توپ ، تانک ، مسلسل ، دیگر اثر ندارد مصداق عینی پیدا کرده بود. این موقعیت هشدار برای امپریالیست ها بود. به همین دلیل هم از ترس رادیکالیزه تر شدن جنبش و قدرت گیری کمونیست ها، سرکوب شدید را از طرف شاه مانع شدند و خمینی را که فردی مذهبی و ضد کمونیست بود جهت جانشینی شاه انتخاب کردند. خمینی نیز به نوبه خود، هم قول آرام کردن مردم را به امپریالیست ها داد و هم تضمین این که ارتش دست نخورده باقی مانده و چپاول نفت ادامه خواهد یافت. به همین دلیل هم امپریالیست ها از خمینی حمایت کرده و با تبلیغات وسیعی او را به ماه رسانده و به ایران فرستادند. خمینی نیز با پز ضد شاه ، وعده هائی به مردم داد و توانست خیلی ها را فریب دهد به طوری که تعداد زیادی از توده ها آرزو و خواسته های خود را در وجود خمینی دیدند. حتی تعداد زیادی از روشنفکران هم فریب او را خوردند و از او حمایت کردند. قرار بود خمینی قدرت را بدون تغییر به دست گیرد، ولی قیام خود جوش توده ها معادلات امپریالیستی را تا حدی به هم زد. یورش توده ها در جریان این قیام به مراکز سرکوب رژیم شاه، به ارتش ضربه زد و اسلحه زیادی به دست مردم افتاد. این ارتش ضربه خورده یکشنبه اسلامی شد و به خمینی بیعت نمود.

به دلیل قیام بهمن و سرنگونی رژیم شاه و احساس پیروزی و قدرت در مردم، رژیم خمینی قادر نبود فوراً وضع را به موقعیت خفقان زده سابق برگرداند به همین دلیل هم تا مدتی نوعی شبه دموکراسی بر جامعه حاکم شد. در چنین شرایطی سازمان چریکهای فدائی خلق با استقبال وسیع مردم مواجه شد. در میتینگ هائی که این سازمان می گذاشت ده ها هزار نفر شرکت می کردند. اما چرا مردم ما چنین گرم از این جریان استقبال نمودند؟

واقعیت این است که در سال های چهل و در شرایطی که تحت تأثیر سلطه طولانی خفقان و اشتباهات و خیانت های سازمان های سیاسی و شکست های مبارزات گذشته حالتی از رکود و خمود جامعه را فرا گرفته بود و کارگران و مردم از مبارزه سیاسی و سازمان های سیاسی زده شده بودند، تعدادی از کمونیست های ایران که منافع طبقه کارگر را همواره در مد نظر داشتند و از منافع شخصی خود گذشته بودند ضمن این که تجربیاتی از انقلابات جهان را مطالعه و درک کرده بودند، مبادرت به مطالعه جامعه نمودند. این ها تا جائی که می توانستند ارتباط خود را با کارگران و زحمتکشان حفظ می کردند و مهمتر این که می دانستند که انقلاب در هر کشور با ستراتیژی همسان به پیروزی نرسیده است. بلکه در هر کشوری که انقلاب رخ داده و به موفقیت رسیده انقلابیون آن کشور ستراتیژی متفاوتی را در پیش گرفته و کلاً از تقلید تجربیات دیگران حذر نموده اند. آن ها می دانستند که این چیزست که شرایط تاریخی عینی هر کشور بر انقلابیون تحمیل کرده است.

با چنین درکی بود که برخی از کمونیست های ایران در سال ۱۳۴۶ برای کشف راه و ستراتیژی انقلاب در ایران، به طور گروهی در ارتباط با هم و به طور سیستماتیک شروع به کار کردند. در این رابطه تنها به کتاب ها اکتفاء نکرده بلکه به کارخانجات رفته و در این مورد تحقیقات مستند و متکی بر واقعیت به عمل آوردند. آن ها جزء معدود کمونیست هائی بودند که در کنار کار مطالعه آثار انقلابی، به روستاهای دور و نزدیک رفته و در مورد شرایط زندگی در روستا تحقیق به عمل آوردند و با گفت و گو با مردم، شرایط عینی ایران را شناختند. نتایج شناخت آن ها در یک سری جزوات در سطح گروه به بحث گذاشته شد. آن ها در جریان این مطالعات و بحث های خلاق درونی به این نتیجه رسیدند که ایران تحت سلطه امپریالیسم بوده و این سلطه برای حفظ خود جز توسل به دیکتاتوری وسیعاً و شدیداً قهر آمیز راهی ندارد. پس از مطالعه جامعه و شناخت روند های عینی جاری در جامعه و شناخت روان شناسی توده ها، آن ها به این نتیجه رسیدند که "وظیفه هر گروه انقلابی آغاز مبارزه مسلحانه چه در شهر و چه در روستاست". این خط مشی در دو جزوه "ضرورت مبارزه مسلحانه و رد تئوری بقاء" نوشته رفیق امیر پرویز پویان و "مبارزه مسلحانه هم ستراتیژی هم تاکتیک" اثر رفیق مسعود احمدزاده جمع بندی شدند.

در این رابطه گروه شروع کرد خود را در هسته های سیاسی - نظامی سازماندهی کردن، که اولین خانه تیمی با شرکت رفیق اشرف دهقانی و رفقاء جواد سلاخی و احمد فرهودی (این رفیق بعداً معاون فرمانده دسته جنگل شد)، سازمان داده شد. این گروه پس از رسیدن به راه تازه، چند عملیات سازمان داد، از جمله مصادره بانک ونک و حمله به کلانتری ۵ تبریز و خلع سلاح نگهبان آن. این رفقاء در جریان حرکت با گروهی که آن ها نیز به مبارزه مسلحانه معتقد بودند و بعدها به گروه جنگل معروف شد، ارتباط برقرار کردند و طی یک سری بحث ها و مطالعه جزوه ها و نوشته های مختلف و قبول نظریات مطرح شده در آن ها و پذیرش تئوری مبارزه مسلحانه هم ستراتیژی هم تاکتیک توسط گروه جنگل، دو گروه ادغام شده و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را تشکیل دادند و خط مشی تشریح شده در جزوه مبارزه مسلحانه هم ستراتیژی هم تاکتیک، تئوری عملی سازمان قرار گرفت. هدف اولیه سازمان کشیدن توده ها به مبارزه و بعد قرار گرفتن پیشاپیش مبارزات کارگران و زحمتکشان در ارتباط با آن ها و

اعمال رهبری طبقه کارگر بر انقلاب برای نابودی سلطه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته و رسیدن به جامعه ای دموکراتیک و سوسیالیسم بود.

چریکهای فدائی خلق که با رستاخیز سیاهکل عملاً به طور سراسری اعلام موجودیت نموده بودند، در جریان ۸ سال مبارزه مسلحانه در زیر سلطه وحشیانه ساواک و دادن چند صد کشته نه تنها راه انقلاب را هموار ساختند بلکه ذهنیت جامعه را نیز دگرگون نموده و به تدریج در قلب توده ها جا باز کردند. در دل مردمی که به عینه می دیدند چه کسانی در زیر تیغ جلاد جان بر کف برای آزادی آن ها می رزمند. همین واقعیت باعث شد تا چریکهای فدائی جایگاه بزرگی در میان مردم پیدا کرده و بعد از قیام بهمن و به وجود آمدن شرایط شبه دموکراسی با استقبال وسیع آن ها مواجه شوند. اما متأسفانه این سازمان در جریان این نبرد خونین بهترین اندیشمندان و رهبران خود را از دست داده و در شرایط قیام، سکانش به دست کسانی افتاده بود که بویی از تنوری انقلابی سازمان، ارزش های والا و سنت ها و جان بازی های چریکهای فدائی نبرده بودند. منظوم باند فرخ نگهدار است که به تدریج این سازمان را به سوی حزب خائن توده می برد. واقعیت این بود که بعد از قیام ۲۲ بهمن، سازمان چریکهای فدائی خلق در حالی علنی شد که دیگر همان سازمان چریکهای فدائی خلق نبود، بلکه افکار حزب توده در آن رخنه کرده و تنوری راهنمای عملی چریکهای فدائی خلق (مبارزه مسلحانه هم ستراتیژی هم تاکتیک) را مردود اعلام کرده و راه و روش حزب توده را در آن غالب نموده بود. این دارو دسته که برخی از آن ها در زندان های شاه علناً علیه فدائی سخن می گفتند وقتی که نیروی عظیمی از مردم که به سازمان روی آورده بود و از آن حمایت می کرد را دیدند نه تنها نام سازمان چریکهای فدائی خلق را از روی خود بر نداشتند بلکه چریکهای معتقد به تنوری و راه و روش چریکهای فدائی خلق را هم به سازمان راه ندادند و با روش های اپورتونیستی حتی اعلام کردند که رفیق اشرف دهقانی از سازمان اخراج شده است. گر چه ماهیت این سازمان و دارو دسته حاکم بر آن خیلی زود بر همگان روشن شد و به ده ها گروه تقسیم شدند اما واقعیت این است که آن ها ضربه بزرگی به نام فدائی و حیثیت کمونیسم در ایران زدند.

به عکس این دارو دسته منفور اما چریکهای فدائی خلق واقعی با الهام گرفتن از تنوری راهنمای سازمان خود، مبارزه مسلحانه هم ستراتیژی هم تاکتیک، ماهیت رژیم جمهوری اسلامی را از همان ابتدای استقرار این رژیم جنایتکار که این دارو دسته برایش هورا می کشیدند به درستی تحلیل کردند و آن را رژیم وابسته و ضد خلقی معرفی کردند. آن ها در هر شرایط و در هر رویدادی که در این سال ها رخ داد عوام فریبی رژیم و مماشات غاصبان نام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را افشاء و از موضع انقلابی دفاع نمودند. با توجه به این که با مراجعه به سایت چریکهای فدائی خلق موضع گیری ها و نوشته های شان را می توان به طور عیان مشاهده کرد من به توضیح بیشتر نمی پردازم. تنها امیدوارم که جوانان ما جهت درک رویدادهای انقلاب و خیانت دارو دسته فرخ نگهدار و برای هموار کردن راه انقلابی که در پیش است حتما آثار و نوشته ها و تحلیل های این جریان انقلابی را مطالعه کنند. چرا که فهمیدن آن چه که به طور واقعی بر سازمان فدائی پس از انقلاب سالهای ۵۶-۵۷ گذشت نقش مهمی برای آینده جوانانی دارد که امروزه برای مبارزه با رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در پی تشکل خود و ایجاد یک تشکیلات انقلابی بر اساس تجارب گذشته می باشند.

تیر ماه [سرطان] ۱۳۹۳